دوئل خونین ۲ تبعه غیرمجاز بر سر کینه طایفه‌ای

■ آرمین بینا

دوئل خونین دو افغانی غیرمجاز که برای رسیدن به دختران مورد علاقه‌شان با شکست مواجه شده بود، به قتل یکی از آنها منجر شد. مقتول از ترس جانش از افغانستان به ایران آمده بود و قاتل هم برای انتقام او را تا ایران تعقیب کرده بود.

مدتی قبل مردی در محله باقرشهر شهرری با تلفن ۱۱۰ پلیس تماس گرفت و اعلام کرد پیکر زخمی و نیمه‌جان مرد جوانی کنار خیابان خلوتی رها شده است. وی گفت: «در حال عبور از خیابان بودم که دیدم مردی زخمی که خون زیادی هم از او رفته، کنار خیابان افتاده، مرد زخمی هنوز زنده است و نفس می‌کشد، اما توان حرف زدن ندارد.»

با اعلام این خبر به سرعت تیمی از مأموران کلانتری ۱۷۵ باقرشهر به محل اعزام شدند و مرد زخمی را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. درحالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید تلاش تیم پزشکی برای نجات مرد زخمی نتیجه‌ای نداده و وی به خاطر شدت جراحات روی تخت بیمارستان فوت کرده است.

■ **تحقیقات جنایی**

با اعلام خبر قتل مرد جوان، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای شهرری وارد عمل شدند. کارآگاهان جنایی در نخستین گام با بررسی اوراق هویتی مقتول دریافتند وی که بصیر نام دارد، افغان است و از یک سال قبل به صورت غیرمجاز در ایران زندگی می‌کرده است. همچنین مشخص شد برادر وی هم در تهران زندگی می‌کند، بدین ترتیب به سراغ خانواده او رفتند و از آنها تحقیق کردند.

برادر مقتول گفت: «من چند سالی است همراه خانواده‌ام در ایران زندگی می‌کنم و بصیر هم یک سال قبل به صورت غیرقانونی از طریق قاچاق برها به ایران آمد و در ساختمان نیمه‌کاره‌ای مشغول به کار شد، از آن زمان به بعد از او خبری نداشتم. البته در این مدت چند باری با او تلفنی حرف زدم و به من گفت کارگر ساختمان است و حوالی شهرری کار می‌کند. الان از طریق یکی از بستگانم متوجه شدم برادرم به قتل رسیده است.»

■ **درگیری طایفه‌ای**

تحقیقات میدانی و گفته‌های خانواده مقتول نشان می‌داد بصیر چند سال قبل در درگیری طایفه‌ای در افغانستان شرکت می‌کند و بعد از اینکه از سوی یکی از افراد طایفه مقابل تهدید به قتل می‌شود از ترس جانش شبانه بار سفر می‌بندد و به صورت غیرقانونی به ایران می‌آید. او در ساختمان نیمه‌کاره‌ای مشغول به کار می‌شود و در نهایت عصر روز حادثه در همان نزدیکی محل کارش به قتل می‌رسد. این فرضیه برای مأموران پلیس قوت گرفت عامل قتل به احتمال زیاد یکی از افراد طایفه مقابل است که برای انتقام به ایران آمده و در درگیری بصیر را به قتل رسانده است.

این در حالی بود که مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه دریافتند روز حادثه سه پسر جوان افغان راه مقتول را سد می‌کنند. آنها او را به شدت کتک می‌زنند و در آخر هم یکی از آنها با چاقویی که همراه دارد، چند ضربه به بصیر می‌زند و سه نفری از محل فرار می‌کنند. بنابراین تصویر عاملان درگیری و ضارب در اختیار برادر مقتول قرار گرفت و او ضارب به نام مراد را شناسایی کرد.

برادر مقتول گفت: «مراد عاشق دختری از طایفه ما بود، اما پدر دختر به او جواب رد داد. او فکر می‌کرد برادرم در این رابطه مقصر است، به همین دلیل هم او را همیشه تهدید به مرگ می‌کرد. برادرم از ترس به ایران آمد و ما هم فکر می‌کردیم درگیری آنها تمام شده و خبر نداشتیم پسر کینه‌جو برای انتقام برادرم را تا ایران تعقیب کرده است.»

■ **رد قاتل**

بدین ترتیب مأموران مراد را تحت تعقیب قرار دادند، اما ردی از او پیدا نکردند. درحالی که تحقیقات برای دستگیری قاتل ادامه داشت، چند روز قبل پسر جوانی به اداره پلیس رفت و گفت محل اختفای قاتل را می‌داند. وی گفت: «چند روز قبل باخبر شدم مراد در درگیری بصیر را به قتل رسانده است. البته من از قبل در جریان درگیری طایفه‌ای آنها بودم و می‌دانستم پلیس در تعقیب قاتل است. امروز از محل کارم بیرون آمدم که به صورت اتفاقی مراد را دیدم و او را تعقیب و محل کارش را پیدا کردم. الان به اداره پلیس آمدم تا او را لو بدهم.» بررسی‌های مأموران نشان داد قاتل پس از قتل با هویت جعلی به عنوان نگهبان در ساختمان نیمه‌کاره‌ای مشغول به کار است. سپس مأموران به ساختمان مورد نظر رفتند و قاتل فراری را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم ۳۰ ساله در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و مدعی شد به خاطر درگیری طایفه‌ای و جواب رد خانواده دختر مورد علاقه‌اش از بصیر کینه به دل گرفته و برای انتقام او را تا ایران تعقیب کرده است. متهم پس از اعتراف به قتل برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. تلاش برای دستگیری همدستان قاتل ادامه دارد.

■ **گفت‌وگو با متهم**

مراد با مقتول رقیب عشقی بودی؟

نه، ما اصلاً رقابت عشقی با هم نداشتیم. او عاشق دختر دیگری بود و من هم عاشق دختر دیگری بودم.

چرا از او کینه داشتی؟

یک سال قبل عاشق دختری به نام آزیتا شدم و به خواستگاری‌اش رفتم. قرار بود ما با هم ازدواج کنیم، اما ناگهان خانواده آزیتا با ازدواج ما مخالفت کردند و به من جواب رد دادند. وقتی تحقیق کردم، فهمیدم بصیر که از طایفه دختر مورد علاقه من بود به خواستگاری دختری از طایفه ما رفته و آنها به او دختر نداده‌اند، به همین دلیل خانواده آزیتا هم به من جواب رد دادند. چند باری به خواستگاری رفتم و تلاش کردم خانواده آزیتا را راضی کنم، اما فایده‌ای نداشت، به همین دلیل از بصیر کینه به دل گرفتم.

چرا از ریش‌سفیدان طایفه کمک نگرفتی؟

اتفاقاً ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه پادرمیانی کردند، اما نتیجه‌ای نداد و باعث شد دو طایفه با هم درگیر شوند، به‌طوری که در هر درگیری چند نفری زخمی می‌شدند. کینه و دشمنی ما هر روز بیشتر می‌شد، به همین خاطر من تصمیم گرفتم از بصیر که مسبب این درگیری بود، انتقام بگیرم و او را بکشم.

چرا در افغانستان نقشه‌ات را اجرا نکردی؟

چند باری در منطقه زندگی‌مان با هم درگیر شدیم و می‌خواستم او را بکشم، اما دوستانش کمکش کردند و فرار کرد. پس از آن هم کینه‌ام فروکش نکرده بود و هر روز به دنبال فرصتی بودم برای انتقام، اما یک سال قبل فهمیدم او از افغانستان فرار کرده است.

از کجا متوجه شدی به ایران آمده؟

من می‌دانستم او به‌هرحال یا به ایران آمده یا به ترکیه رفته است. به دنبال ردی از او بودم تا اینکه دو ماه قبل دوستانم به من خبر دادند بصیر را در تهران دیده‌اند و گفتند در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در باقرشهر شهرری مشغول به کار است. به سرعت به صورت غیر قانونی به ایران آمدم و با هویت جعلی به عنوان نگهبان در ساختمانی در حال ساخت مشغول به کار شدم و منتظر فرصتی بودم تا از بصیر انتقام بگیرم. روز حادثه همراه دو نفر از دوستانم راه او را سد کردیم و کتکش زدیم. پس از کتک کاری من با چاقو چند ضربه به او زدم و همگی فرار کردیم.»

پس از قتل به کجا فرار کردی؟

از ترس چند روزی به محل کارم نرفتم و داخل خیابان و پارک‌ها سرگردان بودم، اما در نهایت تصمیم گرفتم به محل کارم بروم و وسایلم را جمع کنم و به افغانستان برگردم، اما مأموران پلیس مرا غافلگیر و دستگیر کردند.

دوایر اجتماعی کلانتری‌ها مشاوره رایگان می‌دهند

معاون فرهنگی و اجتماعی فراجا گفت: ارائه خدمات روانشناختی و مشاوره در دوایر اجتماعی کلانتری‌ها برای عموم مردم آزاد و رایگان است و نیاز به هیچ‌گونه پرونده قضایی یا انتظامی ندارد.

سردار مهدی حاجیان در تشریح اقدامات ۹ ماهه حوزه مشاوره و مددکاری پلیس در سال ۱۴۰۱ اظهار داشت: در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۱، قریب به ۷۵۰ هزار خدمت مشاوره‌ای در مراکز مشاوره و دوایر اجتماعی کلانتری‌ها به مردم عزیز ارائه و در همین رابطه ۶۵ درصد پرونده‌ها منجر به مصالحه شده است.

معاون فرهنگی و اجتماعی فراجا با اشاره به اینکه هدف نهایی و غایی از راه‌اندازی حوزه مشاوره و مددکاری در پلیس کمک به تحکیم بنیان خانواده و بسط و گسترش سلامت روانی، اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است، گفت: با توجه ویژه سردار اشتری، فرمانده کل انتظامی کشور و تخصیص ویژه نیرو به این حوزه در حال حاضر قریب به هزار و ۱۰۰ دایره اجتماعی در کلانتری‌های کشور و ۵۵ مرکز مشاوره از حضور روانشناس و مشاور بهره‌مند بوده و در حال ارائه خدمات روانشناختی و مشاوره‌ای به مردم هستند.

به گفته این مقام ارشد انتظامی، ارائه خدمات روانشناختی و مشاوره در مراکز مشاوره و دوایر اجتماعی کلانتری‌های سراسر کشور برای عموم مردم آزاد و رایگان است و نیاز به هیچ‌گونه پرونده قضایی یا انتظامی ندارد.

وی افزود: خدمات روانشناختی و مشاوره نیاز امروز جامعه است و براساس اطلس آسیب‌های روانی، اجتماعی و تحلیل‌های انجام شده در این رابطه، این نیاز بیش از پیش مهم بوده و باید مورد توجه قرار گیرد و این نشان‌دهنده هوشمندی جامعه‌محوری و آینده‌نگری پلیس نسبت به شرایط جامعه است. به همین دلیل در راستای ارتقای دانش تخصصی مشاوران و به‌روز کردن اطلاعات تخصصی مددکاران پلیس در ۹ماهه سال جاری، ۱۳۰ کارگاه آموزشی تخصصی کشوری و استانی با استفاده از اساتید برجسته کشور برگزار شده است.

درگیری مرگبار ۲ کارگر ساختمانی به خاطر کار

دو کارگر ساختمانی به خاطر رقابت کاری درگیری مرگباری را رقم زدند. قاتل که تحت تعقیب مأموران پلیس قرار دارد، مقتول را تهدید کرده بود محل کارش را تغییر دهد تا او در ساختمان در حال ساخت مشغول به کار شود.

به گزارش جوان، شامگاه سه‌شنبه ۱۳ دی‌ماه، مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران تلفنی خبر دادند مرد جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان به کام مرگ رفته است. با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی برای بررسی موضوع راهی بیمارستان شدند. تیم جنایی در بیمارستان با جسد مرد جوان ناشناسی روبه‌رو شد که هیچ مدرک هویتی همراه نداشت و با ضربه چاقو به شکمش به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد ساعتی قبل رهگذرانی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران با پیکر نیمه‌جان مرد جوانی روبه‌رو می‌شوند و پس از اطلاع به مأموران پلیس، وی را برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کنند. مرد زخمی در بیمارستان تحت درمان قرار می‌گیرد، اما در تحقیقات پلیس توان حرف زدن ندارد تا قاتلش را معرفی کند و در نهایت هم ساعتی بعد بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل فوت می‌کند.

■ **شناسایی مقتول**

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران تلاش خود را برای شناسایی هویت مقتول آغاز کردند. ظاهر و لباس‌های مقتول حکایت از آن داشت به احتمال زیاد وی کارگر ساختمانی بوده و هنگام رفتن به محل کارش در درگیری به قتل رسیده است. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران پلیس به تحقیقات خود ادامه دادند تا اینکه متوجه شدند روز حادثه مردی به اداره پلیس رفته و اعلام کرده برادر جوانش که کارگر ساختمانی است به طرز مشکوکی ناپدید شده و چند ساعتی است از او خبر ندارد. بدین ترتیب شاکی به پزشکی قانونی دعوت شد و جسد برادرش به نام حمید را شناسایی کرد.

وی گفت: «برادرم در ساختمان نیمه‌کاره‌ای به عنوان کارگر مشغول به کار بود. معمولاً او هر روز به محل کارش می‌رفت و شب هم به خانه برمی‌گشت، اما روز حادثه به خانه نیامد و من هم گم شدن ناگهانی‌اش را به پلیس خبر دادم. به دنبال ردی از برادرم بودم تا خانواده‌ام را از نگرانی درآورم، اما مأموران پلیس خبر دادند وی به طرز مشکوکی به قتل رسیده است.»

■ **رد قاتل در دوربین**

مأموران پلیس پس از شناسایی هویت مقتول، فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را بازبینی کردند و مشخص شد مقتول در نزدیکی محل کارش در درگیری با مرد ناشناسی به قتل رسیده است. دوربین‌ها تصویر مردی را ضبط کرده بودند که داخل کوچه‌ای خلوت راه مقتول را سد می‌کند و با او درگیری می‌شود و در نهایت هم با چاقو او را زخمی و از محل فرار می‌کند.

از سوی دیگر تیم جنایی در بررسی‌های میدانی و تحقیق از خانواده مقتول دریافت حمید از مدتی قبل با یکی از کارگران قبلی محل کارش به نام فیروز درگیری داشته است. قاتل و مقتول مدتی بود به خاطر اینکه کدام یک از آنها در ساختمان کار کنند، اختلاف داشتند و قاتل همیشه حمید را تهدید می‌کرد که به محل کارش نرود و در ساختمان دیگری مشغول به کار شود تا پیمانکار ساختمان او را برای کارگری استخدام کند، اما حمید قبول نمی‌کرد.

مأموران پلیس در ادامه تصویر به دست آمده قاتل از دوربین‌های مداربسته را با تصویر فیروز مطابقت دادند که مشخص شد فیروز شب حادثه در نزدیکی ساختمان نیمه‌کاره حمید را می‌بیند و به خاطر همان اختلاف قبلی با او درگیر می‌شود و حمید را به قتل می‌رساند.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، مأموران پلیس به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران قاتل فراری را تحت تعقیب قرار دادند. مأموران در تلاشند هرچه زودتر قاتل را دستگیر و زوایایی پنهان این حادثه را برملا کنند.

مرد عصبانی همسرش را به قتل رساند

مرد میانسال به خاطر اختلاف خانوادگی در درگیری، همسرش را مقابل چشمان دخترش به قتل رساند. متهم که با درخواست قصاص اولیای دم روبه‌رو شده، به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش جوان، ۱۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به مأموران پلیس شهرستان ورامین خبر رسید زن میانسالی در یکی از بیمارستان‌ها به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی بیمارستان و در آنجا با جسد زنی به نام مهین روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به شکم و سینه‌اش به قتل رسیده بود. بررسی‌های مأموران نشان داد ساعتی قبل پیکر زخمی و نیمه‌جان مقتول را دختر جوانش به بیمارستان منتقل کرده، اما تلاش تیم پزشکی نتیجه‌ای نداده و او بر اثر خونریزی شدید فوت کرده است.

مأموران پلیس در تحقیقات بعدی متوجه شدند عامل قتل شوهر مقتول است که پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است.

دختر مقتول در توضیح ماجرا گفت: «پدرم قاتل مادرم است. آنها ساعتی قبل با هم درگیر شدند، من تلاش کردم مانع درگیری آنها شوم، اما فایده‌ای نداشت. وقتی درگیری آنها بالا گرفت، پدرم با چاقو به مادرم حمله کرد و چند ضربه به او زد و بعد هم به سرعت از خانه بیرون رفت.»

بدین ترتیب مأموران پلیس، مرد ۵۷ ساله به را عنوان قاتل تحت تعقیب قرار دادند و در کمتر از سه ساعت او را در قرچک ورامین شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس به قتل همسرش اعتراف کرد و مدعی شد قصد قتل نداشته و لحظه حادثه به خاطر عصبانیت دست به جنایت زده است.

وی در ادعایی گفت: «اختلاف من و همسرم به سال‌های ابتدایی زندگی مشترکمان برمی‌گردد. وقتی با هم ازدواج کردیم، فکر می‌کردم زندگی شیرینی را آغاز می‌کنیم، اما خیلی زود با هم اختلاف پیدا کردیم و درگیری ما از همان روزها شروع شد. هر روز که می‌گذشت اختلافمان بیشتر می‌شد تا اینکه دخترمان به دنیا آمد. مدتی زندگیمان آرام شد، اما دوباره با هم مشکل پیدا کردیم و بگو و مگوهایمان شروع شد. چند باری تصمیم گرفتم از همسرم جدا شوم، اما به خاطر دخترم پشیمان شدم و به زندگی با همسرم ادامه دادم. ما هر روز با هم مشاجره و درگیری داشتیم تا اینکه روز حادثه ساعت شش صبح دوباره با همسرم مشاجره لفظی کردم. من از او گلایه کردم و خواستم رفتارهایش را با من تغییر دهد، اما او بی‌اعتنایی کرد و خودش را به خواب زد.»

متهم ادامه داد: «رفتارهای او به شدت مرا عصبانی می‌کرد. صبح روز حادثه هم بیشتر از همیشه عصبانی شدم و درگیری ما بالا گرفت. لحظاتی بعد به آشپزخانه رفتم، کاردی برداشتم و به همسرم حمله کردم و چند ضربه به شکم و سینه‌اش زدم. او خونین روی زمین افتاد و در حالی که دخترم گریه می‌کرد، من از خانه بیرون آمدم. نمی‌خواستم همسرم را به قتل برسانم، اما در لحظه حادثه نتوانستم خشمم را کنترل کنم و دست به چاقو بردم و حادثه خونینی را رقم زدم و الان هم به شدت پشیمان هستم.»

درحالی که اولیای دم برای متهم درخواست قصاص داده‌اند، پرونده پس از تحقیقات تکمیلی و صدور کیفرخواست از سوی بازپرس جنایی برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

بدین ترتیب قاتل به زودی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به جرم قتل همسرش محاکمه می‌شود.

سارق چاقو به دست تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفت

مأموران پلیس تهران در تلاشند سارق خشنی را که با تهدید چاقو راه شهروندان را سد و تلفن همراه آنها را سرقت می‌کند، شناسایی و دستگیر کنند.

به گزارش جوان، چند روز قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید مرد چاقو به دستی در یکی از خیابان‌ها به رهگذران حمله و یک مرد را زخمی کرده است. با اعلام این خبر تیمی از مأموران راهی محل شدند و دریافتند مرد خشن پس از سرقت تلفن همراه چند شهروند از محل گریخته و یک نفر را هم زخمی و راهی بیمارستان کرده است.

بدین ترتیب مأموران برای بررسی موضوع به بیمارستان رفتند و از مرد زخمی تحقیق کردند. وی گفت: «در خیابان راه می‌رفتم و با تلفن همراهم صحبت می‌کردم که ناگهان مردی با چاقو راه مرا سد کرد. او چاقویش را به من نشان داد و تهدید کرد تلفن همراهم را به او بدهم. از آنجایی که تلفن همراهم را تازه خریده بودم و گرانقیمت بود در برابرش مقاومت کردم و می‌خواستم از دامش فرار کنم که مرد چاقو به دست به شدت کتکم زد، به‌طوری که دستم آسیب دید و تلفن همراهم از دستم افتاد. او تلفن مرا برداشت و به سرعت فرار کرد. رهگذران با دیدن این صحنه با اورژانس تماس گرفتند و به بیمارستان منتقل شدم. بعد فهمیدم او به چند نفر دیگر هم حمله و تلفن‌های آنها را هم سرقت کرده است.»

■ **شکایت‌های سریالی**

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی شعبه نهم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ برای بررسی و شناسایی سارق خشن در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار گرفت.

درحالی که مأموران تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کرده بودند با شکایت‌های مشابه و متعددی روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت سارق خشن با چاقو در خیابان‌های شهر به رهگذران حمله و با تهدید تلفن همراه آنها را سرقت می‌کند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارق چاقو به دست وقتی با مقاومت مالباخته‌ها روبه‌رو می‌شود، آنها را به شدت کتک می‌زند و گاهی هم آنها را با چاقو زخمی و راهی بیمارستان می‌کند.

همزمان با ادامه تحقیقات، مأموران پلیس فیلم دوربین‌های مداربسته محل‌های حادثه را بررسی و تصویر سارق خشن را به دست آوردند. بدین ترتیب متهم تحت تعقیب قرار گرفته و تلاش برای شناسایی و دستگیر وی ادامه دارد.

شرور مسلح زمین‌گیر شد

شرور سابقه‌دار مسلحی که در خیابان‌های جنوبی تهران با عربده‌کشی و عرض‌اندام باعث ترس و وحشت شهروندان شده بود در دام مأموران پلیس گرفتار شد.

سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری پایتخت با اعلام این خبر گفت: «چند روز قبل به مأموران کلانتری نازی‌آباد خبر رسید شرور سابقه‌داری پس از رهایی از زندان با سلاح گرم و عربده‌کشی داخل خیابان باعث وحشت شهروندان شده است.»

سرهنگ امیرهوشنگ امیری افزود: با اعلام این خبر عوامل عملیات کلانتری نازی‌آباد آخرین مخفیگاه متهم را خیلی زود شناسایی کردند و با دستور مقام قضایی برای دستگیری شرور وارد عمل شدند. مأموران در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. مأموران همچنین در مخفیگاه متهم یک قبضه سلاح گرم را که با آن اقدام به شرارت می‌کرد، کشف کردند.»

وی در پایان گفت: «متهم ۳۶ ساله در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و در ادامه به همراه پرونده تکمیلی تحویل مرجع قضایی شد.»

مسمومیت ۲۰ نفر با گاز منوکسیدکربن در خانه معلم ابرکوه

۲۰ نفر در خانه معلم ابرکوه استان یزد با مونوکسیدکربن مسموم و راهی بیمارستان شدند.

به گزارش ایسنا، این حادثه ساعت ۳:۳۴ بامداد روز پنج‌شنبه ۱۵ دی‌ماه در ساختمان آموزش و پرورش قدیم (خانه معلم ابرکوه) اتفاق افتاد و در جریان آن ۲۰ نفر در اثر استنشاق گاز منوکسیدکربن دچار مسمومیت شدند. به دنبال این حادثه، مصدومان از طریق اورژانس شهرستان به بیمارستان خاتم‌الانبیا ابرکوه انتقال داده شدند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محمدابراهیم میرعابدینی به شماره شناسنامه ۹ و به شماره ملی ۲۲۴۹۷۴۵۷۸۱ صادره از کردکوی فرزند محمد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۱۰۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۳,۳۸ مترمربع از پلاک ۳۸۶۶ فرعی از ۱۰۷ اصلی واقع در اراضی خارج از مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رأی صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به رأی صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

حجت‌الله تجری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ گرگان